

دو دل‌داده حقیقت

یادداشت دکتر سیدعلی اصغر غروی در کارگزاران

۸۷/۳/۳۰:

در ایران نیز همانند هر خطه دیگری از اجتماعات بشری، افرادی پدیدار گشته‌اند که مصداق این آیه شریفه از قرآن کریم‌اند درباره یحیی: سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیا (مریم - ۱۵) و مرحوم دکتر مصطفی چمران بی‌هیچ اغراقی از این دسته از مردان روزگاران است. برای شناساندن وی به نسل‌های بعد از او بسیار می‌توان گفت و نوشت، هم به زبان و قلم آنان که با او زیسته‌اند برهه‌ای از زمان را و هم آنان که نوشته‌هایی را از او تורق کرده و در اندیشه‌هایش غور نموده‌اند. زندگی این شهید بزرگ و عارف موحد را می‌توان به چهار دوره مهم و اصلی تقسیم کرد. از تولد تا پایان تحصیلات دانشگاهی در ایران، ادامه تحصیل و فعالیت دینی - سیاسی در آمریکا، عزیمت به لبنان، و باز از آغاز پیروزی انقلاب تا شهادت در ایران.

اما آنچه در این مختصر به آن می‌پردازم خلاصه‌ای است از یک حادثه و یک اندیشه. حادثه، مرگ نابهنگام دکتر شریعتی بود در سوئت همپتون در جنوب لندن و بعد از آن مسائلی که پیش آمد برای تجهیز جنازه و خاکسپاری آنکه در کجا باشد. ساواک، که شاید بتوان قاطعانه گفت که در شهادت علی نقش ایفاء کرد، با ترفندهای مختلف می‌خواست جنازه را به ایران منتقل کند و خانواده و یاران او که اکنون همه در خارج کشور و بیشترشان برگرد پیکر علی جمعند، شدیداً مخالف بهره‌برداری رژیم پهلوی و ساواک از این حادثه بودند. زیرا تحلیل این بود که تشییع جنازه در ایران (تهران و مشهد) موجب گرد هم آمدن جمعیتی عظیم می‌شود و ساواک می‌تواند با بهره گرفتن از این جمعیت و رواداری آن، جنایت‌های خود و خصوصاً شکنجه‌هایی را که بر خود شریعتی وارد آورده، بپوشاند. آقا موسی صدر و مرحوم شهید چمران از طرف دوستان که در انگلیس اجتماع کرده‌اند ماموریت می‌یابند در جوار حضرت زینب (س) در حومه دمشق محل دفنی را برای علی فراهم آورند و این دو بزرگوار تمام توان خود را به کار گرفتند و با مذاکرات مستقیمی که بین آقای صدر و حافظ اسد صورت گرفت، دولت سوریه با این امر موافقت نمود و چه لحظات دردناکی بود

در آن روزهای اول تیرماه سال ۵۶ که یادآوری آن هنوز هم اشکها را بر گونه‌ها جاری می‌سازد. شخصیت‌های سیاسی و مبارزان شیعی و فلسطینی از لبنان و سوریه و نیز یارانی که از لندن همراه جنازه وارد دمشق شدند، دکتر علی شریعتی را تا جوار ضریح زینب به دوش کشیدند، تا آنجا که شهید چمران لب به سخن گشود و به پیکر شهید راه اعتلای اخلاق و ایمان و عدالت و آزادی چنین ادای احترام کرد: «ای علی! تو نماینده بحق محرومین و زجردیدگان تاریخی و من ناله دردمندان را از حلقوم تو می‌شنوم. خروش اعتراض آنها را در فریاد رعدآسای تو می‌یابم. سرنوشت هزاران کارگر بدبخت را از دریچه چشم تو می‌بینم که زیر تازیانه جلادان فرعون جان می‌دهند و زیر تخته سنگها دفن می‌شوند و من صدای خرد شدن استخوان‌های نحیف آنها را از زیر تخته سنگها می‌شنوم و ضجه دردمندان و ناله زجردیدگان، دلم را به درد می‌آورد. ای علی! با خروش تو به جنگ استعمار و استبداد و استحمار بر می‌خیزیم و همراه تو تاریخ را می‌شکافیم و فرعون‌ها و قارون‌ها و بلعم‌ها را لعنت می‌کنیم. ای علی! همراه تو در راه خدای بزرگ به مجاهدت بر می‌خیزیم و با اسلحه شهادت مجهز می‌شویم. من آن راه و مکتبی را مقدس می‌شمرم که غم‌ها و دردهای کثیف آدمی را به زیبایی و پاکی تبدیل کند و آن شخصی را تقدیس می‌کنم که روحش و احساسش و افکارش، قلب آدمی را صفا و جلا دهد و غم‌ها و دردهایش را زیبا و متعالی کند! روح را از قفس جسد آزاد کرده به آسمان‌ها صعود دهد. با این حساب دکتر علی شریعتی به درجه بی‌نهایت قابل تقدیس است، آدمی را منقلب می‌کند، روح را از قید زمان و مکان آزاد کرده به ازلیت و ابدیت متصل می‌سازد و در آسمان‌ها به سیر و سیاحت می‌پردازد و زیبایی‌های عجیب و خلاق و سوزنده را به آدمی نشان می‌دهد و ابعادی جدید و مبهوت‌کننده و پرشکوه از خلقت به ما می‌نمایاند و تو ای خدای بزرگ! علی را به ما هدیه کردی تا راه و رسم عشق‌بازی و فداکاری را به ما بیاموزاند، چون شمع بسوزد و راه ما را روشن کند ...

ای علی! تو در قلب من زنده و جاویدی، قسم به عشق که تا وقتی که قلب سوزانم می‌جوشد و می‌خروشد و می‌سوزد، تو ای علی! در قلب من حیات داری که جاذبه‌های آسمانی عشق را در رگ‌های وجودم به گردش در می‌آوری و حیات مرا از عشق و فداکاری سرشار می‌کنی. سوگند به تنهایی... تا وقتی که خدا تنهاست، تو علی! در تنهایی ما وجود داری! قسم به عدل و عدالت! که تا روزگاری که ظلم و ستم بر دوش انسان‌ها سنگینی می‌کند، تو در فریاد ستم‌دیدگان علیه ستمگران می‌گری و می‌خروشی. و قسم به شهادت که تا وقتی که فدائیان از جان گذشته حیات و هستی خود را در قربانگاه عشق فدا می‌کنند تو بر شهادت پاک آنها شاهد و شهیدی.»

این سخنان شهید چمران که با آن لحن آرام ولی سوزنده و آتشین مخصوص خودش بیان می‌شد حتی حاضرانی را که زبان فارسی نمی‌دانستند وادار به اشک ریختن نمود و همین چند جمله شدت علاقه و ارادت قلبی و معنوی چمران به شریعتی را نشان می‌دهد. در شبهای تنهایی بسیاری که من و او و نیز همسر در بیروت و در منطقه روشه به گفت و شنود می‌نشستیم چه همه با احترام و دلدادگی به مرام و راه و کلام شریعتی سخن می‌گفت و بر فقدان او می‌گریست و پیوسته نگران از سست شدن اندیشه عدالت گستر و آزادی بخش او بود. می‌گفت: اندیشه شریعتی به نسل جدید که می‌خواهد دین‌ورزی کند و ایمان به خدا و آخرت داشته باشد و به آزادی و عدالت برسد، راه وصول به این هدف متعالی را نشان می‌دهد و از طرف دیگر دین را از چنگال دین به دنیا‌فروشان آزاد و رها می‌سازد و او پیوسته در هر سخنی که آغاز می‌کرد با اشک ریختن بود از ریاکاری، از نفاق، از تظاهر و چاپلوسی و نیز از غصه یارانی که در جنگ‌های داخلی لبنان از دست داده بود و نیز بیشترین اشک‌ها را در فقدان آقای صدر بر گونه جاری ساخت، بعد از آنکه چند سال پیشتر (سال ۱۳۵۲) در سوگ پسرش جمال گریستن را آغاز و هنوز هم ادامه می‌داد و افسوس که چمران هم از میان ما ناشناخته رخت بریست و به قرب جوار حق شتافت. چمران اولین کسی بود که مترجمی را در بیروت به‌کار گماشت تا آثار شریعتی را به زبان عربی برگردان کند و اولین اثری که در این مسیر چاپ و منتشر شد «علی تنهاست» (علی الوحده) بود و چه با شادمانی و سرور این اثر کوچک را برای من آورد تا موفقیتش را در این مسیر جشن بگیریم. من تمام آثار منتشر شده از دکتر علی را که تا آن زمان در دسترس قرار گرفته بود با خود به بیروت برده بودم و یکی از برنامه‌های روزانه ما مطالعه مجدد آثار شریعتی بود. شهید چمران حتی برخی از اعضای خانواده امام را که چند ماهی در بیروت اقامت اضطراری داشتند تشویق به مطالعه آثار شریعتی می‌کرد به‌طوری‌که خانم فاطمه سلطانی طباطبایی، همسر مرحوم حاج‌احمد آقا هر از گاهی یکی از کتاب‌های شریعتی را از منزل ما می‌گرفتند و پس از اتمام، کتاب دیگری را درخواست می‌نمودند. ما در یک مجتمع مسکونی بودیم، فرشته خانم، فریده خانم و آقایان اعرابی و مرتضی سلطانی طباطبایی هم به مطالعه آثار شریعتی اشتیاق نشان می‌دادند. شهید چمران دکتر علی را یک احیاگر دینی و یک سالک طریق حق و واصل به حقیقت و عاشق خالق واحد و الگوی مبارزه می‌دانست و هر فرصتی را برای معرفی او و آثار و اثراتش غنیمت می‌شمرد. خدای رحمت کند هر دو دل‌داده حقیقت و حضرت حق را.